



مرجع شناسی و رونگردهای پژوهشگری (۲)

علیرضا استیری

عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

دایرةالمعارفها^(۱) از جمله مراجع مهم هر کتابخانه است. این اثر نوعی کتابخانه بزرگ سازمان یافته است که می توان با استفاده از روشهای جستجو، اطلاعات مورد نیاز هر پژوهشگر را از لابلای اوراق آن استخراج کرد. شناخت این منبع مهم برای هر پژوهشگر نه تنها ضروری است بلکه در مسیر تنظیم و استناد مطالب تحقیق، اجتناب ناپذیر است. اطلاعات شناسی این مرجع همراه با شیوه های بازیابی اطلاعات، هدف اصلی نگارش این مقاله است.

مقدمه

هر پژوهشگر کوشا و راستین از سر تعهد در پایان اثر خود به منابع و مآخذی اشاره می‌کند. این رفتار علمی مطلوب تضمین‌کننده امنیت جامعه علمی است؛ اما متأسفانه برخی از افرادی که داعیه پژوهشگری دارند، معمولاً از ذکر مآخذ در پایان نوشته خود پرهیز، و یا اسماک می‌کنند. به نظر این افراد ارائه کتابنامه و مآخذ، دلیل کم سواد نویسنده در بین خوانندگان است، حال اینکه به اعتقاد برخی هر چقدر تعداد منابع و همچنین اعتبار آنها در هر اثر بیشتر باشد، گواه صادقی بر کوشش، تحقیق و تفحص بیشتر نویسنده و پژوهشگر است. ایجاد فرهنگ مآخذ نویسی در هر اثر پژوهشی نه تنها بر اعتبار علمی پژوهشگر می‌افزاید بلکه باعث شناسایی توانمندیها از ناتوانیها در میدان پژوهشگری است. در هر حال امیدواریم با شناخت بهتر مراجع، از این پس به ذکر آنها به عنوان مآخذ، بیش از گذشته توجه شود.

تاکنون در مورد دایرةالمعارف، مطالب زیادی نوشته شده است. آنچه مسلم است تاریخ دایرةالمعارف نویسی به دوره باستان مربوط است. زمانی که فلسفه، علم جامع بشری، و هنوز گرایش رشته‌ای پدید نیامده بود؛ فیلسوف به کسی گفته می‌شد که جامع همه علوم زمان خود باشد. با این توصیف مجموعه آثار هر فیلسوف «دایرة دانش» تلقی می‌شد. در آثار افلاطون و ارسطو این دایرة دانش به شکل منظم وجود دارد و در ارتباط با این سؤال شناخت شناسی «چه می‌دانم؟»^(۱) است.

اولین اصلی که هر پژوهشگر باید بداند این است که ابتدا نیاز تحقیقی خود را به صورت سؤال مطرح کند. فایده سؤال سازی این است که اولاً سمت و سوی نیاز مشخص می‌کند و ثانیاً میزان و سطح آن تعیین می‌شود. افزون بر آن از اتلاف وقت و پرداختن به دیگر موضوعات تا حد زیادی جلوگیری می‌شود.

پس از طرح سؤال، لازم است آن را به گونه‌ای نظم بدهد که موضوع یا موضوعات آن بخوبی مشخص، و همچنین خواسته‌های آن معلوم گردد. هر چه در ترکیب بندی سؤال، انسجام و سادگی وجود داشته باشد، ردیابی پاسخ به همان نسبت سریعتر و دقیقتر خواهد بود؛ به عنوان مثال اگر کسی سؤال زیر را مطرح کند، طبیعی است که این نوع پرسش، نیازمند طرح پرسش دیگری است:

«اطلاعاتی در مورد کتابخانه‌ها می‌خواهم.»

این سؤال مطرح می‌شود که چه چیزی از کتابخانه‌ها مورد نظر است؟ وضعیت فهرست نویسی، شکل مجموعه سازی، چگونگی خدمات دهی، انواع آنها و ده‌ها سؤال دیگر، نشانگر ابهام سؤال مطرح شده است.

اما سؤال زیر ایجاز و صراحت لازم را دارد و شونده پس از شنیدن در پی پاسخ مناسب آن خواهد بود:

«چه کتابی در مورد تاریخ فلسفه دارید؟»

پس از طرح سؤال به گونه‌ای که موضوع و خواسته آن مشخص، و نیز از ایجاز و صراحت لازم برخوردار باشد، باید نوع «خواسته» را بررسی کرد. طبقه‌بندی «خواسته»‌ها که گام بسیار نزدیک و مطمئنی برای پاسخ‌یابی است، مستلزم آگاهی از سرشت و طبیعت اطلاعاتی انواع مراجع است. درست مانند پزشکی که به محض مشاهده بیمار از او سؤالاتی مشخص، ساده و در عین حال، اساسی می‌پرسد. بعضی از نشانه‌ها را از پاسخیهای بیمار کشف می‌کند و برخی دیگر را پیش‌بینی می‌کند که با طرح سؤال از بیمار، مطمئن می‌شود. پس از این مرحله به بایگانی اطلاعات علمی انباشته در ذهن خود، مراجعه می‌کند. در این فرایند، ابتدا نوع بیماری را با سؤالات مختلف «تشخیص» می‌دهد و سپس با تجزیه و تحلیل می‌فهمد که این نوع بیماری با چه نوع درمان و کدام خواص دارویی تناسب تجربی دارد. بنابراین سه مرحله اصلی: «تشکیک» (که با طرح سؤال به یقین می‌رسد)، «تشخیص» و «تجویز» بطور پی در پی انجام می‌شود.

پژوهشگر نیز ابتدا با طرح سؤالی در مورد تحقیق خود به مرحله یقین می‌رسد و سپس با شناختی که از انواع مراجع دارد، نوع مناسب را برای پاسخ سؤالات انتخاب می‌کند. بنابراین چنانچه پژوهشگر، شناختی در حد نوع اطلاعات هر مرجع داشته باشد و از شیوه تنظیم و دستیابی به اطلاعات آنها نیز آگاهی یابد، براحتی می‌تواند با تیز هوشی، استعداد پژوهشگری و جستجوگرانه خود در رفع نیاز اطلاعاتی و تحقیقی خود بکوشد.

مرحله سؤال سازی، نقطه شروع پژوهشگری و دشوارترین مرحله و از دیدگاه صاحب‌نظران قابل تأمل، و نظریات آنان روشنگر راه پژوهشگران جوان است. از آنجا که پیوند پژوهشگر با کتابخانه ناگسستی و حتی اجتناب ناپذیر است و از طرفی در برخی از کتابخانه‌های بزرگ،

کتابداران برجسته مرجع، ممکن است کمک زیادی به ردیابی اطلاعات خواسته شده مراجعان کنند، بهتر است در این مورد، یعنی سؤال سازی، مطالبی در مورد کتابداران مرجع و سؤال پژوهشگر با استناد به نظر برخی از صاحب نظران ارائه شود.

دونالد دیوینسون^(۳) دلایلی را برای طرح سؤال پرسشگر به صورت واضح بر می شمارد که عبارت است از:

- ۱- پرسشگر از عمق و کیفیت مجموعه بی اطلاع است.
- ۲- پرسشگر از ابزارهای مرجع موجود خبری ندارد.
- ۳- او با زبان وازگان به کار رفته در ابزارهای موجود بیگانه است.
- ۴- او مایل نیست دلیل نیاز به اطلاعات را بر زبان آورد.
- ۵- پرسشگر برآستی نمی داند چه چیزی می خواهد.
- ۶- او از سؤال کردن و طرح نیاز خود احساس ناراحتی می کند.
- ۷- پرسشگر احساس می کند نمی تواند پرسش واقعی را مطرح سازد، زیرا سؤال، ماهیتی حساس دارد.
- ۸- پرسشگر از کتابدار مرجع خوشش نمی آید (یا بالعکس) و در نتیجه نیاز خود را مطرح نمی کند.

۹- به توانایی و کارایی کتابدار اعتماد ندارد.

۱۰- از محیط کتابخانه می هراسد و جو آنجا وی را بیمناک می سازد.

عواملی که ذکر شد بر اساس نتایج ده ها تحقیق کتابداری است که باید در مورد ارتباط پرسشگران یا به تعبیری پژوهشگران با کتابداران مرجع در نظر گرفته شود.

در تحقیق دیگری مربوط به ریچارد در^(۴)، پرسشها بر اساس پیش فرضهای مفهومی آن به هشت دسته تقسیم بندی شده است. پیش فرضها، مهمترین ویژگی هر پرسش است؛ به عبارت دیگر اینکه چیزی وجود دارد، پیش فرض پرسش است. در اینجا تقسیم بندی هشتگانه پرسشها بر اساس پیش فرض همراه با مثال عینی ذکر شده تا خوانندگان و پژوهشگران عزیز بخوبی با گونه های پرسش آشنا شوند:

الف. وجود: آیا اطلاعاتی در زمینه فن مصاحبه وجود دارد؟

موضوع: فن مصاحبه خواسته: اطلاعاتی درباره فن مصاحبه
ب. هویت: ابن ابی الحدید کیست؟

موضوع: ابی الحدید خواسته: شخصیت و هویت او
ج. مالکیت، خصلت: کتاب مرجع چه ویژگیهایی دارد؟

موضوع: کتاب مرجع خواسته: ویژگیهای آن
د. رابطه: آموزش با بهره‌وری چه رابطه‌ای دارد؟

موضوع: آموزش خواسته: آشنایی با بهره‌وری

ه. تعداد یا مقدار: تعداد زنان شاغل استان تهران در سرشماری عمومی نفوس و مسکن
۷۵ چقدر است؟

موضوع: زنان شاغل خواسته: تعداد آنها در استان تهران

و. مکان: در کدام کتابخانه مطلقاً امانت کتاب وجود ندارد؟

موضوع: امانت کتاب خواسته: در کدام کتابخانه

ز. زمان: علم اطلاع رسانی از چه زمانی پدید آمد؟

موضوع: علم اطلاع رسانی خواسته: پیدایش آن

ح. فعل: کتابدار مرجع پس از شنیدن پرسش پژوهشگر چه می‌کند؟

موضوع: پس از شنیدن پرسش خواسته: کتابدار چه می‌کند؟

هریک از مراجع، مخزنی از اسرار و علوم است که برای ورود به این مخزن تنها یک کلید راهگشاست و آن طرح پرسشی خوب است که نمایانگر نیاز درونی پژوهشگر باشد. بنابراین با آشنا شدن با ماهیت کلید اصلی این مخزن و راه‌های ورود به آن می‌توانیم در میان انبوهی از اطلاعات سازمان یافته به بهانه یک انگیزه (پاسخیابی)، به مطلوب خود دست یابیم.

طبقه بندی هشتگانه پیش فرضهای مفهومی پرسش، که پیشتر گفته شد، مقدمه خوبی برای شناخت نوع پرسشهای هر دایرةالمعارف است.

تا نوع پرسشها را در دایرةالمعارف شناسیم، نوع اطلاعات آن و در نتیجه کاربرد پژوهشی آن را نمی‌توانیم دریابیم. دایرةالمعارفها منابعی است که تقریباً انواع اطلاعات را به شکل کلی و عمومی (دایرةالمعارف عمومی) یا تخصصی (دایرةالمعارف موضوعی) دربردارند.

ساده‌تر این است که بگوییم دایرةالمعارف معمولاً به سؤالاتی نظیر: چه کسی؟ چه چیز؟ چه وقت؟ در کجا؟ چگونه؟ چقدر؟ و از همه مهمتر چرا؟ پاسخ می‌دهد. این نوع شناخت هم کلی است و هم غیر علمی. اگر بخواهیم نوع اطلاعات آن را به صورت علمی بشناسیم، لازم است توصیفگرهای این نوع مرجع را همراه با مثال بررسی کنیم. همانطور که پیشتر گفتیم هر پرسش دو عامل تعیین کننده در بردارد:

۱- داده (موضوع پرسش) ۲- خواسته

توصیفگرهای موجود (داده) هر دایرةالمعارف معمولاً عبارت است از:

الف. سازمان

ب. شخص

ج. مکان

د. اصطلاح، موضوع

خواسته نیز عبارت است از:

۱. تاریخ

۲. تصویر

۳. اطلاعات عددی - اندازه

۴. اطلاعات عددی - شمارش گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵. سازمان

رتال جامع علوم انسانی

۶. شخص

۷. نشانی و محل

۸. کتابشناسی

۹. تعریف، نماد

۱۰. اطلاعات زمینه‌ای

اینک برای هر یک از این وضعیتها مثالی می‌آوریم:

۱/الف. داده: سازمان خواسته: تاریخ

مثال: دانشگاه امام حسین(ع) در چه تاریخی تأسیس شد؟

برای پاسخ به این سؤال به دایرةالمعارف که یکی از مراجع پاسخگوی این سؤال است مراجعه می‌کنیم. اما کدام دایرةالمعارف؟ در کدام دایرةالمعارف می‌توان درباره این پرسش اطلاعاتی به دست آورد. شاید در دایرةالمعارف فرضی «مراکز آموزش عالی» که اگر موجود بود، این اطلاعات را ارائه می‌کرد. مرجع موجود «راهنمای مراکز آموزش عالی» است که منتشر شده است و در دسترس عموم قرار دارد اما راهنماها یکی از مراجع دیگری است که در آینده معرفی می‌شود. ناگفته نماند که تحلیل توصیفگرهای هر مرجع تا اندازه زیادی پژوهشگر را به منبع یابی مناسب پرسش خود رهنمون می‌کند اما به دلیل اشتراک کاربرد و همچنین نوع خواسته‌ها در بعضی از مراجع، پاسخ یک سؤال را گاهی در چند مرجع می‌توان پیدا کرد که البته اگر خوب بررسی شود معمولاً یکی، مناسبترین و پربارترین مرجع خواهد بود.

در هر حال پاسخ این پرسش یعنی سال تأسیس دانشگاه باروشهای دیگری مثل پرسیدن از اعضای دانشگاه، دستیابی به دفترچه راهنما و... می‌توان یافت. در اینجا هدف شناخت سؤال دایرةالمعارفی است و نه پاسخ قطعی آن.

۲/ الف. داده: سازمان خواسته: تصویر

مثال: به تصویری از کتابخانه مرکزی دانشگاه امام حسین (ع) نیاز دارم.

۳/ الف. داده: سازمان خواسته: اطلاعات عددی - اندازه

مثال: زیر بنای آزمایشگاه شیمی دانشگاه چند متر است؟

۴/ الف. داده: سازمان خواسته: اطلاعات عددی - شمارش

مثال: در کتابخانه مرکزی دانشگاه امام حسین (ع) چند کتاب وجود دارد؟

۵/ الف. داده: سازمان خواسته: سازمان

مثال: دانشگاه امام حسین (ع) وابسته به کدام سازمان است؟

۶/ الف. داده: سازمان خواسته: شخص

مثال: رئیس مرکز اطلاع رسانی دانشگاه امام حسین (ع) کیست؟

۷/ الف. داده: سازمان خواسته: نشانی، محل

مثال: نشانی دانشگاه امام حسین (ع) کجاست؟

۸/الف. داده: سازمان خواسته: کتابشناسی

مثال: فهرست انتشارات دانشگاه امام حسین (ع) مورد نیاز است؟

۹/الف. داده: سازمان خواسته: تعریف، نماد

مثال: آرم دانشگاه امام حسین (ع) کدام است؟

۱۰/الف. داده: سازمان خواسته: اطلاعات زمینه‌ای

مثال: چه رشته‌هایی در دانشگاه امام حسین (ع) تدریس می‌شود؟

۱/ب. داده: شخص خواسته: تاریخ

مثال: شهید محمد علی رجایی در چه تاریخی به ریاست جمهوری انتخاب شد؟

۱/ج. داده: مکان خواسته: تاریخ

مثال: مدرسه فیضیه در چه تاریخی تأسیس شد؟

۱/د. داده: اصطلاح، موضوع خواسته: تاریخ

مثال: رادیو در چه تاریخی اختراع شد؟

در مورد دایرةالمعارف مطالب دیگری در حد نیاز پژوهشگران وجود دارد. ترجیح این است که آن مطالب در قالب همان گفتگوی مرجع بیان شود تا اثر بیشتری در ذهن خوانندگان عزیز بگذارد.

در شماره پیش دیدیم که چگونه پژوهشگر یا همان خبرنگار بخشی از نیاز تحقیقی خود را از طریق مصاحبه با کتابدار مرجع برطرف کرد و نقطه شروع جستجوی اطلاعات، برگه‌دانهای کتابخانه بود. برگه‌دان موضوعی بیشترین کمک را در این زمینه می‌کند. اینک ادامه همان گفتگو:

مراجعه کننده: سلام علیکم، خیلی ممنون، چند کتاب با همان موضوعاتی که داده بودید پیدا کردم اما خیلی...

کتابدار مرجع: بله خیلی مطابق با نیاز شما به عنوان خبرنگار نیست!

مراجعه کننده: نه البته اینطور نیست؛ من از شما متشکرم!

کتابدار مرجع: مهم نیست! من همین الآن در حال جستجوی مطالب دیگری بودم.

مراجعه کننده: پیدا کردید؟... در چه کتابی؟

کتابدار مرجع: این دایرةالمعارف یکی از مراجع مهم است. شما اطلاعات مفیدی در آن برای کارتان پیدا می‌کنید.

مراجعه کننده: در اینجا سؤال برایم پیش آمد. اینکه چطور می‌توان اعتبار و ارزش این مرجع را فهمید؟ من فکر می‌کنم اگر اعتبار آن تأیید شده باشد، مطالب و اطلاعات آن نیز ارزشمند است.

کتابدار مرجع: کاملاً درست است. سؤال خوبی مطرح کردید. برای ارزیابی و تعیین درجه اعتبار دایرةالمعارف چند معیار وجود دارد: اول سابقه نشر آن، یعنی چندبار منتشر شده یا در واقع چندبار ویرایش شده است.

مراجعه کننده: این مسأله مهمی است؟

کتابدار مرجع: بله هم تعداد ویرایشها و هم تازگی تاریخ انتشار آن مهم است، حتی اینکه چقدر از مطالب در هر ویرایش حکم و اصلاح شده، مهم است.

مراجعه کننده: البته این بحث طولانی و مفصلی است.

کتابدار مرجع: همین طور است. مطلب دیگر اعتبار ناشر است. اینکه سابقه نشریات او چگونه، و حتی در این زمینه چه آثار دیگری منتشر کرده است.

مراجعه کننده: چه جالب! من فکر نمی‌کردم اینقدر قضیه جدی باشد.

کتابدار مرجع: بله، اما مطالب دیگری هم برای ارزیابی هست. اینکه ویراستاران و هیأت تحریریه دایرةالمعارف چه اشخاصی هستند و این افراد چقدر صلاحیت همکاری برای تدوین این اثر را دارند، نکته مهم دیگری است.

مراجعه کننده: اگر اشتباه نکنم، همانطور که سبک نگارش مطبوعات ورزشی با مطبوعات خبری یا سیاسی متفاوت است، فکر می‌کنم نوع نگارش مقاله در دایرةالمعارف باید با نوع نوشته‌های دیگر متفاوت باشد.

کتابدار مرجع: بله، شما درست حدس زدید. برای همین هم معمولاً لیست نویسندگان و ویراستاران فنی در صفحات اول دایرةالمعارفهای تخصصی و بزرگ درج می‌شود.

مراجعه کننده: ببخشید در اینجا سؤالی پیش می‌آید و آن اینکه معمولاً اطلاعات بر حسب نیاز کاربران باید سطح متفاوتی داشته باشد؛ مثلاً اطلاعاتی که درباره موضوعی به کودکان

داده می‌شود، نسبت به اطلاعاتی که درباره‌ی همان موضوع به عامه مردم یا متخصصان داده می‌شود باید تفاوت کند و این ملاک خوبی برای ارزیابی است. فکر نمی‌کنید این معیار باید در نظر گرفته شود؟

کتابدار مرجع: چرا دقیقاً همین را می‌خواستیم بگویم که شما اشاره کردید. بله سطح نیاز، عامل مؤثری برای ارزیابی است. البته موارد دیگری هم مثل چگونگی تنظیم، ارجاعات، سبک نگارش، کتابشناسی و مآخذ، کیفیت نقشه‌ها و تصاویر و همچنین قطع دایرةالمعارف و نوع کاغذ مورد استفاده از دیگر نکات قابل توجه در ارزیابی مراجع است. در پایان گفتگو مراجعه‌کننده از کتابدار تشکر می‌کند.

در شماره بعد خواهیم کوشید مراجع مهم دیگری را با استفاده از مثالها و نمونه‌های عینی اطلاعات، بررسی کنیم و با طبیعت و اطلاعات آنها بهتر آشنا شویم. آنچه بیشتر مورد توجه است، فرایند جستجو و اطلاع‌یابی از چند مرجع برای گردآوری مطالب مورد نیاز و در اثر پژوهشی پژوهشگر است که با تجزیه و تحلیل رفتارها و چگونگی تشخیص مرجع مناسب همراه باشد.

یادداشتها

1. Encyclopedias

۲. در مرکز نشر دانشگاهی فرانسه مجموعه کتابهای تک نگاشتی منتشر می‌شود که هر جلد منحصرأ به موضوع خاصی می‌پردازد. غالب این آثار توسط نویسندگان مبرز و استادان دانشگاه‌های فرانسه نوشته می‌شود و بر روی هر جلد آن جمله استفهامی «*Que sais je?*» یا «چه می‌دانم؟» نوشته شده است. در واقع مطالب هر کتاب می‌کوشد تا به این سؤال فلسفی پاسخ دهد.

3. Donald Davinson, Reference Service (London: Clive Bingley, 1979) PP. 19 - 20

4. Richard Derr. "Questions: D'ifinitions, structure, and classification". RQ.V.24, No, 2 (1984)

pp.86 - 90

منابع و مآخذ:

۱. جهودا، جرال و جودیت شیک براوناگل؛ مبانی مرجع؛ ترجمه محمد حسین دیانی، مشهد: آستان قدس

رضوی، ۱۳۷۰.

۲. حژی، عباس؛ مراجع و بهره‌گیری از آنها؛ تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.
۳. دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب؛ تهران: فرانکلین، ۱۳۴۵.
۴. رایس، جیمز؛ آموزش بهره‌گیری از کتابخانه؛ ترجمه نازنین قائم‌مقامی؛ فصلنامه کتاب. دوره سوم (۱۳۷۱)؛ ص

۴۳ - ۵۶

۵. سلطانی، پوری و فروردین راستین، اصطلاحنامه کتابداری، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۵۶.
۶. مرادی، نورالله؛ خدمات مرجع؛ فصلنامه کتاب، دوره سوم (۱۳۷۱)؛ ص ۸ - ۲۷.
۷. مرادی، نورالله؛ دایرةالمعارفها را بشناسیم؛ نشر دانش؛ دوره اول، شماره‌های پنجم و ششم (مرداد - آبان ۱۳۶۰) ص ۵۰ - ۶۴.

۸. مرادی نورالله، مرجع‌شناسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲.

9. Foskett, D.J. Information service in Libraries. Philosophical Library, 1961.

10. Katz, W.A. Introduction to Reference work. New York Mc Graw _ Hill, 1974.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی